

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بيمه» / جلسه ۲۳ (۶/۳/۱۴۰۳) استاد حسين بنيادى]

عنوان بحث: بيمه – انواع التامين

موضوع بحث امروز: ادامه مساله هشتم – عنوان معاملى بيمه مختلط

مقدمه: موضوع بحث در مساله هشتم بيمه عبارت بود از «التامين المختلط مع الاشتراك فى الأرباح» که در جلسه گذشته مسأله را بيان کرديم، اما آنچه که مهم می باشد، عنوان معاملى اين نوع از بيمه می باشد؛ امام خمينى، ره در متن مساله به دو عنوان تصريح کردند، اول «شركة عقديّة مع شرط أو شرائط سائغة» دوم «كان القرار نحو المضاربة» به تعبير ديگر: «تارةً: تكون من قبيل الشركة العقديّة مع شرط أو شرائط سائغة، واخرى: تقع بشكل المضاربة فى ضمن عقد التامين»

توضيح الشركة العقديّة و المضاربة فى ضمن عقد التامين

۱. الشركة العقديّة: چنانکه در مباحث شرکت طرح شده، شرکت گاهى قهرى است مانند مشارکت ورثه در ترکه ميت که به مجرد فوت مورث حاصل می شود و نيازى به انشاء عقد يا قرارداد ندارد، اين شرکت از بحث ما خارج است. گاهى شرکت بواسطه عمل مشترک حاصل می شود مانند حيازت مباحات و گاهى شرکت بواسطه امتزاج اموال دو يا چند نفر بصورت اختيارى يا غير اختيارى، ايجاد می شود، که اين موارد اجنبى از مانحن فيه می باشد. اما گاهى شرکت، شرکت عقدى می باشد که مورد بحث در بيمه مختلط می باشد.

این نکته را هم باید اضافه کرد که مراد از «الشركة العقديّة الحاصلة في ضمن التأمین» توافق دو طرف بر تاسیس شرکت یا موسسه‌ای که سرمایه‌ای برای تجارت درست کنند و بر اساس توافق یا بالنسبة به سرمایه، سودی ببرند که همان شخص حقوقی باشد، نیز نمی‌باشد.

بلکه مقصود اشتراک طرفین - مؤمن و مستأمن - در سود می‌باشد که بواسطه حق بیمه که ملک مستأمن است از جانب او به مؤمن پرداخت می‌شود و بیمه‌گر با آن تجارت می‌کند پس اصل سرمایه از مستأمن است و عمل تجارت با مؤمن یا همان شرکت بیمه می‌باشد؛ «بمعنی اشتراک الطرفین - من المؤمن والمستأمن - فی الأرباح؛ وإن كان أصل رأس المال ملكاً للمؤمن يدفع المستأمن إياه إليه؛ قضاء لعقد التأمین» و لذا اینگونه تعبیر شده: «الشركة العقديّة الحاصلة في ضمن التأمین»

۲. المضاربة في ضمن عقد التأمین: مرحوم امام شکل دیگری از از بیمه مختلط را بیان می‌کنند که همان صورت دوم یعنی شکل مضاربه‌ای بیمه مختلط می‌باشد، به این معنا که شرکت بیمه هر چند متکفل تأمین مستأمن در موضوع قرارداد است اما براساس تعهد و قرارداد مبالغی را به عنوان ربح و سود به مستأمن پرداخت می‌کند، ربحی که از اقساط و مبالغ بیمه از مستأمن دریافت کرده و در حقیقت شرکت بیمه در پوشش بیمه طی یک قرارداد ضمنی به صورت مضاربه که سرمایه از مستأمن است و عمل از جانب مؤمن، عمل می‌کند

وجه اشتراک و افتراق دو صورت

وجه اشتراک هر دو صورت در این است که شرکت بیمه با مبلغ بیمه مستأمن تجارت می‌کند اما تفاوت در این است که:

تفاوت اول: در صورت اول براساس توافق در نوع بیمه (بیمه مختلط) این تجارت را انجام می‌دهد اما در صورت دوم قرارداد جدیدی - غیر از عقد بیمه - متولد می‌شود که به شکل مضاربه عمل می‌کند»

تفاوت دوم: تفاوت دیگر این است که اگر در قالب بیمه این تجارت صورت پذیرد، این عقد لازم است اما اگر در قالب شرکت عقدی، انجام شود این عقد از طرفین جایز است چون حقیقتش مضاربه است و مضاربه از عقود جایزه است.

امام خمینی، ره می‌فرماید: در هر دو صورت این تجارت و سودی که از آن حاصل می‌شود و بالنسبه به قرارداد و حق بیمه‌ای که هر کدام از بیمه‌گذاران پرداخت کرده‌اند، صحیح و جایز است

آیا اجماع، مانع از تحقق شرکت عقدی در بیمه مختلط می‌باشد؟

در شرائط مال المضاربه بالاجماع شرط شده که باید از نقدین (دینار و درهم) باشد در بحث بیمه مختلط این اشکال پیش می‌آید سرمایه‌ای که در اختیار شرکت بیمه به عنوان عامل قرار می‌گیرد از نقدین نمی‌باشد و نوعاً از اسکناس می‌باشند و این مخالفت با اجماع است، در این مجال برخی از فقهای که در این شرط، ادعای اجماع نموده‌اند را عرض می‌کنیم تا ببینیم آیا اجماع از شرکت عقدی به نحو مضاربه در بیمه مختلط جلوگیری می‌کند یا نه؟

اول، ادعای اجماع در کلام ابن براج، ره: «إذا دفع إنسان إلى حائك غزلاً وقال له: انسج ثوباً أو إزاراً على أن يكون الفضل بيننا، هل يكون ذلك مضاربهً صحيحةً أم لا؟ الجواب: لا يكون ذلك مضاربهً صحيحةً؛ لأنّ المضاربه لا تكون إلّا بالأثمان التي هي الدنانير والدرهم، ويختلط المالان، وإنّما قلنا هذا لأنّه لا خلاف في أنّ ما ذكرناه مضاربهً صحيحةً، وليس كذلك ما يخالفه» (جواهر الفقه - ص ۱۲۴)

دوم، ادعای اجماع محقق ثانی، ره: «وقد ادّعى هذا الإجماع المحقق الكرکی أيضاً، حيث قال في ذیل قول العلامه في القواعد: «الأول: أن يكون نقداً، فلا يصحّ القراض بالعروض، ولا النقرة، ولا بالفلوس، ولا بالدرهم المغشوشة» ما إليك لفظه: «والمراد بالنقد الدرهم والدنانير المضروبه المسكوكه... وما عدا ذلك لا تصحّ المضاربه عليه بإجماعنا واتفاق أكثر العامه» (جامع المقاصد - ج ۸ - ص ۶۶)

سوم، ادعای اجماع شهید ثانی، ره: «وقد نبّه الشهيد الثاني قدس سره على حصر الدليل على اعتبار ذلك بالإجماع في «الروضة» حيث قال في ذیل قول الشهيد الأول قدس سره: «وإنّما تجوز بالدرهم و الدنانير» ما إليك لفظه: «إجماعاً، وليس ثمة علة مقنعة غيره» (الروضة البهيّة - ج ۴ - ص ۲۱۹)

شهید ثانی، ره ذیل کلام محقق حلّی، ره در شرایع نیز فرموده: «ومن شرط أن يكون عيناً، وأن يكون درهم أو دنانير» ما هذا متنه: «اشتراط ذلك في المال موضع وفاق نقله في التذكرة، وهو العمدة» (مسالك الأفهام - ج ۴

- ص ۳۵۵)

خدشه امام خمینی، ره در اجماع مذکور

مرحوم امام در متن مساله اجماع مذکور را اینگونه رد کردند: «وكان التقرار نحو المضاربة صح أيضا عندی، لعدم اعتبار كون المدفوع فی مال المضاربة الذهب والفضة المسكوكین، بل المعتبر كونه من النقود فی مقابل العروض» یعنی معقد اجماع این است که مال المضاربة هر چه که در مقابل ثمن نقد قرار بگیرد می باشد یعنی از قبیل گندم و جو و برنج و... نباشد نه اینکه حتما باید مسکوک طلا یا نقره باشد، بنابراین مانع از اینکه مال در مضاربه از نقود غیر از دینار و درهم باشد، نمی شود.

اشکال به خدشه‌ای که در اجماع وارد شده

به نظر می رسد با توجه به تصریح مدعیان اجماع که «دنانیر و دراهم» را صریحا بیان نموده‌اند، خدشه حضرت امام، ره وارد نباشد، و توجیهی که کرده‌اند قابل قبول نباشد، از این رو اجماع صحیح است هر چند برخی این اجماع را مدرکی می دانند اما به هر صورت این اجماع یا مدرک اجماع، معتبر است و چاره‌ای نیست که اجماع را بپذیریم.

آیا بیمه مختلط از قبیل «شركة عقدیه مع شرط أو شرائط سائغة است یا به صورت مضاربه در ضمن عقد التأمین» است؟

نتیجه اینکه با توجه به نکاتی که در جلسه گذشته عرض شد که بیمه، عقدی مستقل است و انواع مختلفی دارد، بیمه مختلط نیز یکی از انواع بیمه می باشد که تحت یک قرارداد انشاء می شود و لذا اینکه نوع بیمه - مانند بیمه مختلط - را که ماهیت خودش را دارد با مضاربه، پیوند دهیم خلاف سیره عملیه عقلا است و اطلاعات و عموماً وفای به عقد و المؤمنون عند شروطهم دلیل بر صحت بیمه مختلط «التأمین المختلط مع الاشتراك فی الأرباح» دارد و از عقود لازمه است. (۱) لذا عنوان معاملی بیمه مختلط، «شراکت عقدیه» است که تحت عقد بیمه قرار می گیرد نه «مضاربه در ضمن بیمه»

از همین جهت، برخی از اساتید گفته‌اند: «أن عقد التأمین المختلط مع اشتراك المؤمن والمستأمن فی الأرباح، یستبطن فی الحقیقة عقدین» اگر مرادشان از دو عقد، یکی عقد التأمین باشد و یکی عقد المضاربه از اصل باطل است مگر اینکه مرادشان از عقد دوم عملیات تجارتي باشد که در ضمن عقد التأمین اتفاق می افتد، باشد که

اينهم قابل قبول نيست، چون اساساً يك عقد بيشر و وجود ندارد آنهم عقد بيمه كه نوع آن با بيمه بسيط متفاوت است و اصطلاحاً بيمه مركب است نه عقد مركب از دو عقد.

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

١. التامين المختلط مع الاشتراك فى الأرباح: و يتضمن بيان نوع آخر من التامين على الحياة، و هو الاشتراك فى الأرباح التى تحصل عليها الشركة من الاستفادة بتلك المبالغ المتجمعة من المشتركين كما جاء فى كتاب التامين على الحياة الصادر من شركة مصر للتأمين تعريفه ما يلى: «التامين المختلط مع الاشتراك فى الأرباح يدفع مبلغ التامين عند وفاة المؤمن عليه، أو عند انتهاء مدة التامين، و تدفع الأقساط لغاية الوفاة، و على الأكثر حتى انتهاء مدة التامين، و للمؤمن الحق فى الاشتراك و الاشتراط فى الأرباح بناء على نتيجة عملية تقدير الأرباح، و يضاف نصيب كل وثيقة فى الأرباح إلى مبلغ التامين، و يدفع مع مبلغ التامين عند استحقاقه سواء بالوفاة أو عند انتهاء التامين»

و قد قرر شيخنا الأستاذ- (دام ظلّه)- أن دفع المال فى هذه الصورة من من قبل طالب التامين إلى الشركة لم يكن الظاهر منه أنه على نحو القرض منه لها ليكون ما تدفعه الشركة له فوائد ربوية بل هو نحو من المضاربة و التى هى عبارة عن أن صاحب المال يدفع الى الآخر مقداراً من المال ليعمل فيه بالبيع و الشراء، و الربح على حساب ما شرطه على تفصيل، و شروط مبينة فى محلها.

و على هذا التنزيل يكون هذا النوع من التامين باطلا لعدم توفر الشروط المطلوبة فى المضاربة فيه إذ من جملة الشروط المطلوبة فيها أن يكون المدفوع من الذهب أو الفضة المسكوكين و طبيعى أن ذلك لا يتوفر غالباً فى هذا النوع من المعاملات.

نعم يمكن تصحيح ذلك بما قدمناه فى تأمين البضائع من القول بكون المدفوع من قبل - طالب التأمين - هبة منه لهم إزاء قيامهم بهذه الشروط المذكورة و التى يملئها الطرفان فى وثيقة العقد فيصح ذلك، و يكون من قبيل الهبة المشروطة، و عند تخلف الشرط للواهب فسخ الهبة و استرجاع ما دفعه إليهم.(بحوث فقهية - للشيخ حسين الحلى

- ج ١ - ص ٤٤)